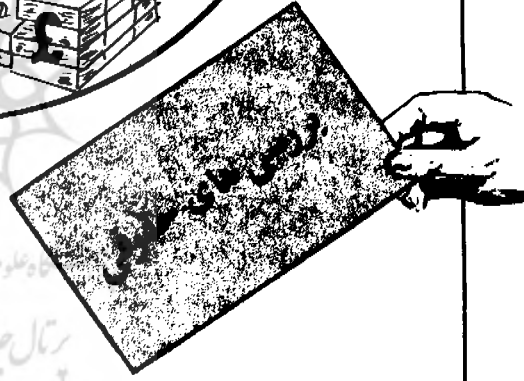


# سرمایه گذاریهای خارجی



صادر کننده سرمایه<sup>۱</sup> به کشور دیگر (موسوم به کشور میزبان<sup>۲</sup>)، جهت استفاده در تأسیس یک بنگاه اقتصادی<sup>۳</sup> در کشور اخیر، در ازاء مشارکت مستقیم یا غیرمستقیم در عواید آن بنگاه توصیف کرد. نحوه استفاده از این وجه در اداره یک بنگاه اقتصادی، وجه تمایز «سرمایه گذاری خارجی» از «تجارت

۱- مفهوم  
سرمایه گذاری خارجی را می توان انتقال وجه یا مواد از یک کشور (موسوم به کشور

- 1) Capital exporting country.
- 2) Host country.

- 3) Enterprise

خارجی) محسوب می‌شود. سرمایه‌گذاری خارجی ممکن است به صورت «سرمایه‌گذاری مستقیم»<sup>۱</sup> یا «سرمایه‌گذاری به شکل خرید اوراق بهادار»<sup>۲</sup> باشد. وجه افتراق این دو نوع سرمایه‌گذاری میزان کنترلی است که سرمایه‌گذار در اداره بنگاه اقتصادی بدست می‌آورد. بنابراین در سرمایه‌گذاری به شکل خرید اوراق بهادار، اسناد بدهی<sup>۳</sup> مانند اوراق قرضه<sup>۴</sup>، و اسناد سرمایه<sup>۵</sup> مانند سهام<sup>۶</sup>، هر دو می‌توانند وجود داشته باشند، البته به شرط آنکه سرمایه‌گذار قدرت رأی اساسی را بدست نیاورد. در این نوع سرمایه‌گذاری قدرت رأی معمولاً کمتر از ۲۵ درصد مجموع آراء است. سرمایه‌گذاری مستقیم ممکن است به شکل سرمایه‌گذاری جدید یا تملک بنگاه اقتصادی موجود درآید. همچنین، بسته به منابع مالی، سرمایه‌گذاری می‌تواند به صورت سرمایه‌گذاری دولتی یا خصوصی باشد.

## ۲- تحول تاریخی

گرچه سابقه سرمایه‌گذاری خارجی به

آغاز عصر استعمار برمی‌گردد، اما نقش استراتژیک آن در توسعه اقتصادی، طی سده‌های هجدهم و نوزدهم ظاهر گردید. تا پایان جنگ جهانی اول، سرمایه‌گذاری خارجی اروپائیان عمده<sup>۷</sup> به شکل خرید اوراق بهادار بود تا سرمایه‌گذاری مستقیم، حال آنکه سرمایه‌گذاری خارجی آمریکا غالباً به صورت سرمایه‌گذاری مستقیم انجام می‌گرفت. بهر حال در دوره مورد بحث، آمار و ارقام موجود میان سرمایه‌گذاریهای مستقیم و دیگر انواع سرمایه‌گذاری - که به سرمایه‌گذار، حق کنترل اعطاء نمی‌کنند - تفاوت قائل نبودند. در اواخر سده نوزدهم، فرانسه و آلمان سرمایه‌گذاریهای بلندمدت خود را بیشتر در کشورهای اروپایی (به خصوص روسیه) انجام میدادند، در حالیکه بریتانیا عمده<sup>۷</sup> در کشورهای ماوراء بحار<sup>۷</sup> سرمایه‌گذاری می‌کرد. تا پیش از سال ۱۹۰۰، سرمایه‌گذاری خارجی آمریکا بیشتر متوجه مکزیک و کوبا بود. بقیه کشورهای آمریکای لاتین میزبان قسمت اعظم سرمایه‌گذاریهای بریتانیا در ماوراء بحار بشمار می‌آمدند. پس از جنگ جهانی اول

1) Direct investment

2) Portfolio investment

3) Debt instruments

4) Bonds

5) Equity instruments

6) Stocks or Shares.

7) Overseas

آمریکا گوی سبقت را از اروپا ربود و نقش عرضه کننده اصلی سرمایه خارجی به آمریکای لاتین را برعهده گرفت. در طول سه دهه پس از جنگ جهانی دوم نیز این کشور همچنان به عنوان عرضه کننده مسلط سرمایه در مقیاسی جهانی شناخته می شود.

در گذشته حاکم محلی از طریق اعطاء اجازه نامه یا امتیازنامه ویژه به سرمایه گذار خارجی، جهت تأسیس یک بنگاه اقتصادی، انگیزه های لازم را برای سرمایه گذاری خارجی بوجود می آورد. امتیازنامه احداث و اداره کانال سوئز در ۳۰ نوامبر ۱۸۵۴ و موافقتنامه امتیاز<sup>۱</sup> منعقد میان دولت آزاد کنگو<sup>۲</sup> و رؤسای کمپانی کاتانگا<sup>۳</sup> در اول مارس ۱۸۹۱ برای توسعه اقتصادی این استان (کاتانگا) نمونه های برجسته سرمایه گذاری در سده نوزدهم می باشند.

هر چند سرمایه گذاریهای خصوصی اغلب در کشورهای در حال توسعه صورت می گرفتند و کشورهای مزبور نیز خود تسهیلات این گونه سرمایه گذاریها را فراهم می کردند، ولی در واقع قسمت اعظم سرمایه گذاری خارجی در میان کشورهای پیشرفته جریان داشت. برای مثال طبق

جدیدترین تحقیقی که در سال ۱۹۷۷ در آمریکا بعمل آمده است حجم سرمایه گذاری مستقیم آمریکا در کشورهای در حال توسعه به ۳۱۸۰۰ میلیون دلار بالغ می شد که در قیاس با حجم سرمایه گذاری مستقیم آمریکا در کشورهای پیشرفته، یعنی ۱۱۰۱۲۰ میلیون دلار، رقم کمتری را نشان می دهد. براساس این تحقیق، اندکی بیش از ۲۵ درصد از کل سرمایه گذاری مستقیم آمریکا در خارج به بخش صنعت، معدن و نفت اختصاص داشت، اما درصد سرمایه گذاری انجام شده در بخش نفت کشورهای در حال توسعه به نحو چشمگیری کمتر از سرمایه گذاری در بخش معدن بود. تحقیق مزبور علت چنین امری را موارد عدیده سلب مالکیت<sup>۴</sup> از شرکتهای نفتی خارجی، در کشورهای عضو اوپک می داند.

بطور کلی، در دوره به اصطلاح کلاسیک سرمایه گذاری خارجی، همزمان دو دیدگاه مختلف بر وضعیت سرمایه گذاری خارجی حاکم بودند: از یک دیدگاه، تلاش می شد که سرمایه گذاری مستقیم خارجی با امتیازات و ترتیبات ترجیحی که کشور میزبان در چهارچوب موافقتنامه های خاص امتیاز، اعطاء می کند، تسهیل و ترغیب شود.

1) Concession agreement

3) Compagnie de Katanga

2) Congo Free State

4) Expropriation

دیدگاه دیگر از سیاست درهای باز<sup>۱</sup> در مورد سرمایه گذاری جانبداری میکرد، به شرط آنکه سرمایه گذاری خارجی مزبور با خط مشی های ملی کشور صادرکننده سرمایه انطباق داشته باشد و ضمناً از اعطای امتیازات ویژه و یا تحمیل شرایط تبعیضی اجتناب بعمل آید.

برنامه تضمین سرمایه گذاری در چهارچوب ندادبیری است که کشورهای صادرکننده سرمایه برای حراست از سرمایه گذاریهای خارجی اتباعشان در برابر مخاطرات سیاسی اندیشیده اند.

پس از جنگ جهانی دوم، کشورهای در حال توسعه شروع به محدود کردن ویا لغو مالکیت های خارجی در مورد منابع طبیعی کردند و بدین ترتیب صحنه قبلی تغییر اساسی یافت. نقطه آغاز این تغییر مصادره هایی<sup>۲</sup> بود که حکومت کارانزا<sup>۳</sup> در مکزیک انجام داد. این اقدامات با الغاء

مواد قانون اساسی در مورد مالکیت خصوصی ذخایر معدنی و نفتی در سال ۱۹۱۷ و ملی کردن صنعت نفت در سال ۱۹۳۸ به اوج خود رسید. اما دادگاه عالی مکزیک مصادره های سال ۱۹۱۷ را باطل اعلام کرد و بدنبال یک توافق غیررسمی با آمریکا، امتیازات خارجی نیز براساس «قانون نفت سال ۱۹۲۶» مجدداً مورد تأیید قرار گرفتند. سرانجام به شرکتهای نفتی آمریکایی از بابت خساراتی که به دارائیهای ملی شده در سال ۱۹۳۸ وارد آمده بود، طبق ارزیابی هیئت کارشناسی مشترک، غرامت پرداخت شد. بهرحال موارد یاد شده و دیگر موارد سلب مالکیت منجر به تلاشهای ناموفق اما مکرری برای تدوین قواعدی پیرامون حمایت از سرمایه گذاری خارجی، در چهارچوب یک مقاله نامه (کنوانسیون) بین المللی عام، گردید. در اوایل سال ۱۹۲۹ جامعه ملل<sup>۴</sup> کنفرانسی بین المللی در خصوص رفتار با بیگانگان تشکیل داد، اما این کنفرانس نتوانست طرح نهایی مقاله نامه ای را در این زمینه تنظیم کند. در واپسین روزهای عمر جامعه ملل کمیته مشترک ویژه ای که در پرینستون<sup>۵</sup> آمریکا راجع به سرمایه گذاری

1) Open door

2) Confiscations

3) Carranza

4) Petroleum Law of 1926

5) League of Nations

6) Princeton

خصوصی کار می‌کرد، گزارش قابل توجهی را تحت عنوان «شرایط سرمایه‌گذاری خارجی خصوصی» منتشر ساخت.

سازمان ملل متحد نیز در سال ۱۹۴۸ کنفرانسی را در زمینه تجارت و اشتغال در هاوانا تشکیل داد، که در آن منشوری برای تأسیس یک سازمان تجاری بین‌المللی پیشنهادی به تصویب رسید. ماده ۱۲ منشور هاوانا، که به تشویق و تضمین سرمایه‌گذاری خارجی و همین‌طور محدودیتهای مجاز در این زمینه مربوط می‌شد، ناظر بر سرمایه‌گذاریهای موجود و آتی بود. ضمناً این ماده از منشور هاوانا انعقاد معادلات دوجانبه و چند جانبه خاص در مورد سرمایه‌گذاری را میان دولتهای عضو منشور ترغیب می‌کرد. بهر حال منشور هاوانا به دلیل تصمیم رئیس‌جمهوری آمریکا در امتناع از تسلیم آن به کنگره هیچگاه به اجراء درنیامد. علت این اقدام اعتراضات شدیدی بود که جامعه بازرگانی آمریکا، خصوصاً نسبت به ماده ۱۲ منشور — که مفاد آن در خصوص، حراست از سرمایه‌گذاری

بیش از اندازه مبهم و نارسا پنداشته شده بود — بعمل آورد.

تلاشهای منطقه‌ای، مانند موافقتنامه اقتصادی بوگوتا (۱۹۴۸)<sup>۲</sup> و طرح موافقتنامه عمومی اقتصادی میان کشورهای آمریکایی<sup>۳</sup> نیز با شکستهای آشکارا روبرو شدند.

با این وجود، از آنجا که انتظار میرفت سرمایه‌گذاری خصوصی وسیله‌ای مهم برای کمک به توسعه بین‌المللی باشد، ابتدا آمریکا و سپس دیگر کشورهای صادرکننده سرمایه تدابیری را در سطح ملی برای حراست از سرمایه‌گذاریهای خارجی اتباعشان در برابر مخاطرات سیاسی — مانند ایجاد مانع بر سر راه بازگشت عواید حاصل از سرمایه‌گذاری و همین‌طور سلب مالکیت — اندیشیدند. این تدابیر که در چهارچوب «برنامه‌های تضمین سرمایه‌گذاری»<sup>۴</sup> قرار دارند، از «قانون همکاری اقتصادی آمریکا» در سال ۱۹۴۸<sup>۵</sup> سرچشمه می‌گرفتند. این برنامه‌ها در ابتدا محدود به کشورهای اروپایی بودند. «قانون تضمین متقابل سال

- 1) Conditions of Private Foreign Investment.
- 2) Economic Agreement of Bogota (1948)
- 3) General Inter - American Economic Agreement
- 4) Investment gurantee programmes Act of 1948.
- 5) United States Economic Cooperation Act of 1948

۱۹۵۱»<sup>۱</sup> تدابیر اشاره شده را به دیگر مناطق جغرافیایی تسری داد» «قانون کمک اقتصادی خارجی سال ۱۹۵۰» دامنه این تضمین را به گونه‌ای دقیقتر تعیین کرد. «قانون تضمین متقابل سال ۱۹۵۳»، شرط توافق قبلی میان آمریکا و دولت میزبان را به شرایط پیشین افزود. سرانجام «قانون تضمین متقابل سال ۱۹۵۹» برنامه مورد بحث را به کشورهای در حال توسعه محدود کرد. پس از سال ۱۹۶۱ «شرکت سرمایه گذاری خصوصی خارجی»<sup>۳</sup> متصدی اجرای برنامه‌های تضمین سرمایه گذاری گردید و موافقتنامه‌هایی را با ۷۵ کشور منعقد ساخت.

آلمان فدرال نیز در سال ۱۹۵۹ برنامه تضمین سرمایه گذاری مشابهی را، بر پایه تخصیص بعمل آمده در قانون بودجه این سال تنظیم کرد. در قوانین بودجه سالهای بعد نیز تحقیقات مشابهی صورت گرفت. براساس

این برنامه یا باید معاهده‌ای با کشور میزبان منعقد شود که نحوه سرمایه گذاری را مشخص سازد و یا طبق قوانین داخلی جاری در کشور میزبان، تضمینات مناسب گرفته شد. بعلاوه در برنامه مزبور کشورهای در حال توسعه در اولویت قرار دارند. اکنون در پانزده<sup>۴</sup> کشور عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی<sup>۵</sup> برنامه‌های تضمین سرمایه گذاری مشابهی اجرا میشود. کوششهای بعمل آمده برای ایجاد ترتیبات چندجانبه به منظور تضمین سرمایه گذاری، در زمینه سرمایه گذاریهای خصوصی خارجی که مستقیماً صورت می‌گیرند، تاکنون ناموفق بوده است. البته در این میان، مقاله‌نامه<sup>۶</sup> منعقد در سال ۱۹۷۲ میان کشورهای عربی جهت تأسیس شرکت تضمین سرمایه گذاری میان کشورهای مزبور یک استثناء محسوب می‌شود.

1) Mutual Security Act of 1951

2) Foreign Economic Assistance Act of 1950

3) Overseas Private Investment Corporation (OPIC)7.

(۴) این کشورها عبارتند از: استرالیا، اتریش، بلژیک، کانادا، دانمارک، فنلاند، فرانسه، ایتالیا، ژاپن، هلند، زلاندنو، نوروز سوئد، سوئیس و بریتانیا.

5) Organization for Economic Co - operation and Development (OECD)

(۶) براساس این مقاله‌نامه شرکت تضمین سرمایه گذاری میان کشورهای عربی Inter - Arab Investment Guarantee Corporation تشکیل شد.

### ۳- وضعیت حقوقی کنونی

در سالیان اخیر سرمایه گذاری خارجی از جهات اقتصادی و حقوقی به صورت پدیده‌ای ناهمگن درآمده است. هر چند کشورهای توسعه یافته هنوز بعنوان کشورهای اصلی، میزبان سرمایه گذاریهای خارجی بشمار می‌آیند، اما سهم کشورهای در حال توسعه در کل سرمایه گذاریهای خارجی افزایش داشته است، زیرا به اصطلاح کشورهای جدیداً صنعتی شده، به صورت کشورهای میزبان جذابی برای سرمایه گذاریهای خارجی درآمده‌اند. بعلاوه نقش آمریکا دستخوش تغییر چشمگیری شده است. میزبان سرمایه گذاری خارجی در خود آمریکا شدیداً افزایش یافته، در حالیکه سهم این کشور در کل سرمایه گذاری خارجی کشورهای صادرکننده سرمایه به گونه‌ای قابل توجه کاهش نشان میدهد.

از لحاظ حقوقی چند روند همسودرخور توجه‌اند: اهمیت فزاینده قوانین سرمایه گذاری که خط مشی‌های متباین کشورهای میزبان در خصوص سرمایه گذاری خارجی را منعکس می‌سازد؛ «بین‌المللی کردن»<sup>۱</sup> موافقتنامه‌های امتیاز؛ رشد سریع تعداد معاهدات دوجانبه سرمایه گذاری با فراهم شدن تسهیلاتی برای حل و فصل

اختلافات سرمایه گذاری، و سرانجام بازتاب این تحولات در قواعد سنتی ناظر بر سلب مالکیت.

### الف - گسترش قوانین سرمایه گذاری:

امروزه کشورهای در حال توسعه دیگر سیاست درهای باز بدون قید و شرطی را در خصوص سرمایه گذاری خارجی دنبال نمی‌کنند، بلکه بیشتر بر ورود سرمایه خارجی نظارت داشته، آنرا هدایت می‌کنند. قوانین داخلی در مورد سرمایه گذاری خارجی برحسب خط مشی‌های اقتصادی و نیازهای حکومتها شدیداً تفاوت دارند. چنانکه تعدادی از کشورهای در حال توسعه معافیهای مالیاتی ویژه و برخی دیگر امتیازاتی را جهت تشویق سرمایه گذاران خارجی اعطا می‌نمایند، سایر کشورها، برای فعالیت بنگاههای خارجی مالیاتهای سنگین وضع و یا محدودیت‌های دیگری را برقرار می‌کنند (بخصوص اگر زمینه فعالیت آنها در بخشهای خاصی چون معدن و نفت باشد) و یا جلوی فعالیت این بنگاهها را در برخی صنایع کلاً می‌گیرند. بعضی از کشورها نیز «بومی کردن»<sup>۲</sup> بنگاههای خارجی را به صورت هدف ملی درآورده‌اند که از طرق گوناگون

1) Internationalization

2) Indigenization

دنبال می‌شود.

آزادسازیهای اخیر که بمنظور تشویق سرمایه‌گذاریهای خارجی صورت گرفته منجر به افزایش اینگونه سرمایه‌گذاریها در کشورهای عضو بازار مشترک منطقه «آند»، خصوصاً در بخش تولید صنعتی شده است.

از جمله قوانین سرمایه‌گذاری که پیرامون آن بخشهای فراوانی صورت گرفته قانونی است که در سال ۱۹۷۰ بنا به تصمیم شماره ۲۴ کمیسیون پیش‌بینی شده در موافقتنامه «کارتاجینا»<sup>۱</sup> - مبنای تشکیل بازار مشترک منطقه آند<sup>۲</sup> - وضع گردید.

قانون مزبور بر این نظر استوار است که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند به نفع کشور میزبان باشد به شرط آنکه اولاً مولد سرمایه جدید باشد؛ ثانیاً به تدریج جنبه بومی پیدا کند، ثالثاً دسترسی به تکنولوژی خارجی را - که براساس شرایط محدود کننده در امتیازنامه‌ها جلوی انتقال آنرا می‌گیرند - تسهیل نماید. بنابراین، سرمایه‌گذاری جدید موافقت قبلی دولت را ایجاب می‌کند، مشروط به توافقی در مورد تبدیل بنگاههای خارجی به بنگاههای مختلط می‌باشد (بنگاههایی که ۵۱ تا ۸۰ درصد؛ سرمایه آنها به سرمایه‌گذاران کشور میزبان تعلق دارد)، و سرانجام این سرمایه‌گذاری نباید از طریق مشروط محدود کننده، دستیابی به تکنولوژی را مقید کند. البته بخشهایی از اقتصاد کشور ممکن است برای بنگاههای ملی حفظ گردند.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند به نفع کشور میزبان باشد به شرط آنکه اولاً مولد سرمایه جدید باشد، ثانیاً به تدریج جنبه بومی پیدا کند، ثالثاً دسترسی به تکنولوژی خارجی را تسهیل نماید.

در کشورهای پیشرفته بویژه فرانسه، کانادا و ژاپن نیز موانع قانونی در مورد قبول سرمایه‌گذاریهای خارجی وجود دارد. در این ارتباط، سیستم فرانسه بر قانون شماره ۱۰۰۸-۶۶ مبتنی است که طبق آئین‌نامه‌های شماره ۶۷-۷۸ و ۶۷-۸۲ به اجرا درآمد. کانادا با وضع «قانون بررسی سرمایه‌گذاری خارجی در سال ۱۹۷۳»<sup>۳</sup> توضیقاتی را برای سرمایه‌گذاری خارجی در این کشور ایجاد کرده است. سابقه ژاپن در

1) Cartagena Agreement

3) Foreign Investment Review Act, 1973

2) Andean Common Market



خصوص قوانین سرمایه گذاری خارجی به سال ۱۹۵۰ بازمی‌گردد. آمریکا با تصویب «قانون بررسی سرمایه گذاری بین‌المللی در سال ۱۹۷۶»<sup>۱</sup>، بر چگونگی سرمایه گذاری خارجی در این کشور نظارت دارد، اما تا کنون هیچگونه کنترل عملی در این زمینه صورت نگرفته است.

### ب - بین‌المللی کردن موافقتنامه‌های امتیاز

به موازات قبولی فزاینده قوانین داخلی در مورد سرمایه گذاری، بین‌المللی کردن موافقتنامه‌های امتیاز نیز مشاهده می‌شود. به منظور حراست از سرمایه گذاریهای خارجی تحت پوشش موافقتنامه‌های امتیاز، در مقابل تغییرات بعدی احتمالی در قوانین کشور میزبان یا سلب مالکیت بدون پرداخت غرامت، پس از جنگ جهانی دوم رویه‌ای به صورت درج به اصطلاح «شروط تثبیت»<sup>۲</sup> و «شروط بیسن‌المللی کردن»<sup>۳</sup> در موافقتنامه‌های مورد بحث ایجاد گردید. یکی از نمونه‌های قدیمی شروط نوع نخست، ماده ۱۳ موافقتنامه امتیاز منعقد شده میان کویت و شرکت «آمین اویل»<sup>۴</sup> در سال ۱۹۴۸ است،

در حالیکه نمونه اولیه شروط نوع دوم در ماده ۴۶ موافقتنامه منعقد شده میان ایران و کنسرسیوم بین‌المللی نفت در سال ۱۹۵۴ مشاهده می‌شود. بین‌المللی کردن موافقتنامه‌های امتیاز و آثار آن بر مسئولیت ناشی از نقض موافقتنامه، در آراء مهم داوری بین‌المللی که اخیراً صادر شده‌اند مورد تأیید قرار گرفته است. داوری‌های مربوط به شرکتهای نفتی لیبی، کویت، آمین اویل و کنگو-آجیپ<sup>۵</sup> از آن جمله‌اند. بعلاوه اعتبار چنین شروطی را «مؤسسه حقوق بین‌الملل»<sup>۶</sup> در اجلاس سال ۱۹۷۹ خود تصدیق کرده است.

### ج - گسترش معاهدات دوجانبه سرمایه گذاری:

تازه‌ترین روش برای تشویق سرمایه گذاری و حراست از آن، انعقاد عهدنامه‌های دوجانبه سرمایه گذاری میان کشورهای صادر کننده سرمایه و کشورهای میزبان می‌باشد. گرچه این جریان با مذاکره برای انعقاد موافقتنامه‌های دوجانبه میان آلمان فدرال و دیگر کشورها در ارتباط با برنامه تضمین سرمایه گذاری، در اوایل دهه ۱۹۶۰ شروع شد، اما پس از سال ۱۹۷۴

1) International Investment Survey Act of 1976

4) AMINOIL

2) Stabilization clauses

5) Congo - AGIP

3) Internationalization clauses

6) Institut de Droit International

موافقتنامه‌های مزبور استفاده عام یافت و دیگر کشورهای سرمایه‌گذار اروپایی و کشورهای که در جستجوی سرمایه‌های خارجی بودند، طبق آنها عمل کردند، بطوریکه در سال ۱۹۸۱ حدوداً ۱۷۰ کشور چنانچه موافقتنامه‌هایی را امضاء کرده بودند. آمریکا که تا همین اواخر در معاهدات عمومی خود با کشورهای دیگر در زمینه‌های دوستی، تجارت و کشتیرانی بر شروط تضمین سرمایه‌گذاری متکی بود، اخیراً یک معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری نمونه را انتخاب کرده، بر این اساس معاهداتی را با چندین کشور در حال توسعه مورد مذاکره قرار داده است. معاهداتی از این نوع، امکان دسترسی به سرمایه‌های خارجی را افزایش می‌دهد، مانع تحمیل شرایط شاق می‌گردد، در صورت سلب مالکیت پرداخت نمرات کافی را تضمین می‌کند و برای حل اختلافات احتمالی، «مرکز بین‌المللی حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری»<sup>۱</sup> را به عنوان مرجع رسیدگی مقرر می‌دارد.

## د - ایجاد تسهیلاتی در زمینه حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری توسط طرف ثالث:

احساس نیاز به ایجاد یک مکانیسم دائمی برای حل بیطرفانه اختلاف، سبب شد که بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه (بانک جهانی) مسئولیت تهیه «مقاله‌نامه بین‌المللی در خصوص حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری»<sup>۲</sup> را برعهده گیرد. این مقاله‌نامه از سال ۱۹۶۶ قدرت اجرایی یافت و تاکنون (۱۹۸۵) ۸۲ کشور در حال توسعه و پیشرفته آنرا مورد تصویب نهایی قرار داده‌اند.

### ه - آثار اقدامات انجام شده:

تلاشهای اخیر به قصد بهبود امر تضمین در سرمایه‌گذاری خارجی، روند سلب مالکیت از دارائی‌های خارجی بدون پرداخت غرامت را، که با اقدام سال ۱۹۷۴ اعضای اوپک در مورد سلب مالکیت از امتیازنامه‌های نفتی خارجی به اوج خود رسیده بود، تغییر داد و از تأثیر در قطعنامه سازمان ملل متحد یعنی «اعلامیه ایجاد نظم نوین اقتصادی بین‌المللی»<sup>۳</sup> و منشور حقوق و

1) International Center for the Settlement of Investment Disputes

2) International Convention on the Settlement of Investment Disputes

3) Declaration on the Establishment of a New International Economic Order

شرکتهای چند ملیتی برخی از زیانهای ناشی از سرمایه گذاریهای خارجی در کشورهای در حال توسعه را به نحو با رزی نشان داده است. سازمان ملل متحد مشغول تهیه کردارنامه جامعی برای فعالیتهای این گروهبندی های قدرتمند فراملی می باشد که «کردارنامه ملل متحد در مورد شرکتهای چند ملیتی»<sup>۲</sup> خوانده میشود. \*

وظایف دولتها»<sup>۱</sup> که در همان سال صادر شده بودند، کاست. تحولات جدید توانست به برقراری توازن بهتر میان نیاز کشورها به نظارت بر سرنوشت اقتصادیشان و انتظارات مشروع سرمایه گذاران خارجی کمک کند.

#### ۴- مسائل حقوقی خاص

سرمایه گذاریهایی انجام شده توسط

1) Charter of Economic Rights and Duties of States.

2) United Nations Code of Conduct for Transnational Corporations.



به نقل از:

S.A. Riesenfeld, «Foreign Investments» in *Encyclopedia of Public International Law*. Vol. 8. Amsterdam: North - Holland, 1985, PP. 246 - 249.